



سنت‌گرایان فکر میکنند جامعه عکس‌العمل نشان نمیدهد، ولی سخت در اشتباهند، در واقع جامعه موتور ذهن خود را خاموش میکند، خرج خود را جدا میکند و مثل موربگهای بن انسان یک‌به‌یک بسته میشوند و عاقبتی جز سکه در کار نیست، این از ویژگیهای بارز فرهنگ ایرانیست، همانی که با عرب و مغول کرد، تحمل کرد، خودخوری کرد و برای تحمل شرایط به صوفیگری پناه برد، البته در ظاهر قبول کرد ولی عاقبت سر برآورد و این بار نیز تون مقابله با آن نخواهد بود.

دکتر هاشم اورعی - استاد دانشگاه صنعتی شریف

با حمله اعراب به ایران و سقوط امپراطوری ساسانی جنگی تمام‌عیار در صحنه فرهنگی کشور آغاز شد که پس از ۱۴ قرن هنوز ادامه دارد، در یک طرف حافظان سنت قرار دارند که با پشتیبانی باورهای دینی و استفاده ابزاری از شریعت در طول تاریخ در مقابل هرگونه تغییر مقاومت میکنند و در طرف مقابل لشکر مدنیته است که توسعه را از الزامات بقاء ایران و فرهنگ ایرانی دانسته و بر آن اصرار مینوردد، از ابتدا حاکمان بغداد تلاش کردند فرهنگ و زبان ایرانی را نابود کرده و از این طریق به استیلای کامل تازیان بر پارسیان جامه عمل بپوشانند، ولی فرهنگ ایرانی چقدر تر از آن بود که پشت به خاک دهد، دلاوری چون یعقوب لیث صفاری را در خود پرورش داد که به جنگ خلیفه رفت و دستور داد در مکاتبات دیوانی زبان عربی حذف و فارسی دری جایگزین آن شود، همین زمینه مساعدی شد برای پیدایش شاعران بسیاری در فرهنگ و ادب ایران از جمله فرزانه توس که با خلق اعجاب‌انگیز شاهنامه جانی تازه به کالبد زبان پارسی دمید.

نبرد دایمی سنت و مدرنیته تا اعماق وجود ما ایرانیان رخنه کرده و به صورت جنگی تمام‌عیار ماکان ادامه دارد، طی چندین قرن فرهنگ ایرانی با اسلامی درآمیخته و هنوز تکلیفان با خودمان روشن نیست، میان سنت و مدرنیته گیر کرده‌ایم، شاهان پهلوی این مردم را نشناخته بودند و درک نکردند که در این ۱۴۰۰ سال تفکر مردم ایران تغییر چندانی نکرده‌است، قبل از انقلاب پسر ایرانی با موی پنبلی به دنبال قیام امام حسین بود، یکی از دانشگاه‌ها روارد فارغ‌التحصیل شده بود و برای ازدواج استخاره میکرد و آن دیگری در کمبریج درس خوانده بود و برای رسیدن به خواسته‌هایش سفره حضرت ابوالفضل برپا میکرد، خلاصه اینکه عمق اندیشه‌مان اسلامیست ولی به دنبال آزادی‌های غربی هستیم، مشکل ۱۴۰۰ ساله ما این است که در صحرائ کریمه به دنبال مدرنیته میگردیم! باید ببخیریم که سال‌های زیادی گرفتار خواهیم بود، نه گرفتار چادر یا دام، بلکه اسیر جهل و خرافات، تضاد بین تفکر سنتی و مدرن که امروز هم شاهد آنیم میتوانست جامعه را به نابودی بکشاند.

سنت‌گرایان بر جدایی از مناسبات جهانی و پرهیز از هرگونه هم‌راستایی با جهان اصرار ورزیده و برای توسعه اقتصادی اهمیت چندانی قایل نیستند، اعتقاد دارند که با نهادن وزن خود بر فرهنگ جامعه قادر خواهند بود مسیر آینده را انتخاب کنند و در فضای استیلای فرهنگی به دنبال پیروزی‌اند، در چنین شرایطی از برقراری هر نوع ارتباط بین این دو دیدگاه سخت میهراسند و پلهای ارتباطی را به‌درنگ تخریب میکنند، در این مسیر فکریست که بازگشت به وطن افتال به‌روز و توفیق، هنرمند ۸۴ ساله ایرانی را برنمی‌تابند و به این امیدند که طی چند سال غائله فیصله پیدا کند، غافل از اینکه این اسطوره‌ها، غلط یا درست، در دل ملت ایران جایگاهی همیشگی دارند و مقابله با آن اوج ضعف است و نه نشانه قدرت؛ بازبویسی فرهنگ و تاریخ چندهزارساله کشور توسط افرادی معدود با تفکری محدود خیالی باطل بیش نیست.

سنت‌گرایان فکر میکنند جامعه عکس‌العمل نشان نمیدهد، ولی سخت در اشتباهند، در واقع جامعه موتور ذهن خود را خاموش میکند، خرج خود را جدا میکند و مثل موربگهای بن انسان یک‌به‌یک بسته میشوند و عاقبتی جز سکه در کار نیست، این از ویژگیهای بارز فرهنگ ایرانیست، همانی که با عرب و مغول کرد، تحمل کرد، خودخوری کرد و برای تحمل شرایط به صوفیگری پناه برد، البته در ظاهر قبول کرد ولی عاقبت سر برآورد و این بار نیز توان مقابله با آن نخواهد بود.

دکتر محسن رنایی براین عقیده است که در چنددهه اخیر نشانه‌هایی از رنساس ایرانی به وضوح مشاهده میشود که با جدایی ایمان از شریعت به پیشی گرفتن مدرنیته و حرکت به سوی توسعه خواهد انجامید، وی معتقد است که میانبری تاریخی به سوی توسعه گشوده شده و نحوه تعامل بین حکومت و جامعه راه را باز کرده‌است، سیاست‌های فرهنگی در چند دهه اخیر موجب تضعیف حافظان تاریخی سنت شده و آن را به‌دفاع گذاشته تا لاجرم جامعه ما به سوی دنیای مدرن حرکت کرده و با سنت ضدتوسعه خداحافظی کند، این تحول در اروپا و در قالب رنسانس با هدف جدایی دین از سیاست ۴۰۰ سال طول کشید ولی جامعه ایرانی طی ۴۰ سال زمینه‌های این تحول را ایجاد کرده است، در واقع این تحول در دوران پهلوی آغاز شد ولی به‌گونه‌ای عمل کرد که باعث اتحاد نیروهای سنتی شده و جبهه‌های متحد علیه پیوستن به دنیای مدرن شکل گرفت و ناکام ماند، اما جمهوری اسلامی ناخواسته حافظان سنت را از هم جدا کرد، زنان را به نیروی خط شکن حرکت به سوی مدرنیته تبدیل کرد، روستاییان را شهرنشین کرد و روحانیان را به عنوان خط مقدم حافظان سنت تضعیف کرد، جایگاه مراجع به عنوان سرمایه نمایان به چالش کشیده شده است، حکومت آن دسته از مراجع را که با اهداف و برنامه‌هایش زاویه داشت تخریب کرد و آن بخش هم که از نظر جامعه حکومتی بودند را مردم تخریب کردند، تحول عظیمی که در صحنه فرهنگی جامعه شاهدیم عمیق‌تر از تحول سکولاریسم در اروپاست و به شکل جدایی ایمان از شریعت خودنمایی میکند، مسأله مهم آن است که ایمان با توسعه سازگار است ولی شریعت به شکل سنتی خود با مدرنیته سر ناسازگاری دارد و آن را برنمی‌تابد.

در گذشته جنگی با شمشیر ایران را فتح کرد ولی امروز مبدأ قدرت تغییر کرده است، به قول دکتر بیژن عبدالملکی، اگر بخواهیم تنها با ارزش‌های دینی به مقابله با جهان امروز برویم یعنی مسأله را نفهمیده‌ایم، اگر قرار است ملت ایران به زندگی انسانی در شان قرن ۲۱ دست یابد باید مناسباتمان را با جهان امروز تنظیم کنیم، البته این به آن معنی نیست که به نظام سلطه تن دهم ولی برای هزریستی با نظام جهانی نیاز به ابزارهایی از سنخ همین جهان داریم و روایت و حدیث کفایت نمیکند، باید قواعد بازی در دوران مدرن را نفهمیم و باور کنیم که قدرت اقتصادی، افکار عمومی و انتظارات جامعه از الزامات جهان امروز است، چنانچه حکومت به انتظارات مردم پاسخ ندهد دیر یا زود باید جلوی آنان بایستد و به نقطه عیرقابل بازگشت خواهد رسید، برای آنکه مناسباتمان را با جهان تنظیم کنیم باید در مسیر توسعه گام برداریم، برای تثبیت جایگاه کشور در صحنه بین‌المللی باید قدرت داشته باشیم و ملت بخش مهمی از این قدرت است، باید با طبقه متوسط به ویژه جوانان به زبان مشترک برسیم، گویی دچار نوعی تأخر تاریخی و فرهنگی شده‌ایم و به مقولاتی فکر میکنیم که با زمان حال سازگار نیست.

مخلص کلام اینکه حافظان سنت در هدایت جامعه در مسیر شریعت ناکام مانده و پهلویان نیز در عبوری شتابزده از دروازه‌های تمن توفیقی نیافتند. اگر به معنای واقعی توسعه می‌خواهیم باید روی کودکان و معلمان سرمایه‌گذاری کنیم. توسعه بنیادش بر تربیت است و نه آموزش. خانواده و مدرسه اولین کارخانه‌های توسعه‌آفرینی هستند. ما به جوانانمان فکر کردن نمی‌آموزیم و در خانواده و مدرسه انسان‌های توانمند تربیت نمی‌کنیم. به نظر می‌رسد پس از ۱۴ قرن جنگ و گریز، لشکر سنت‌گرایان رو به عقب‌نشینی است. اما پیروزی تجدطلبان دشوارتر از آن است که به نظر می‌آید. باید به فکر باشیم.

(Visited 1 times, 1 visits today)

لینک کوتاه مطلب : <https://jahaneghtesad.com/?p=149288>

گروه اقتصاد و توسعه